

درآمدی بر شعر اکسپرسیونیزت آلمان

مکتب اکسپرسیونیزت بین سالهای ۱۹۱۰ تا ۱۹۲۵ در آلمان در عرصه شعر، تاتر، سینما، و تاحدی در رمان و قصه، پا گرفت. در این سالها سرتاسر اروپا دستخوش احساس خطری تهدیدکننده و قریب الوقوع بود، که بعدها همین احساس به انتقاد از سنت منجر شد. شاعران، دیگر همچون ناتورالیستها به عکس برداری از طبیعت و وصف جزئیات آن دلخوش نمی‌کردند، بلکه خواهان صورتگرایی از واقعیت و تأویل آن بودند. با آنکه در ردّ سنن بورژوازی با ناتورالیستها همصدا بودند اما به نیروی روح آدمی بسی بیش از طبیعت صرفاً ناتورالیستها ارج می‌نهادند. آنان گمشده خود را در احساس^۱ یافتند گویی جنبش «توفان^۲ و طغیان» دوباره احیا می‌شد. اما اکسپرسیونیزتها با این شیوه سرایش که صلاهی سادگی محض و بازگشت به طبیعت را درمی‌داد تفاوت زیادی داشتند، آنان به طبیعت گوش نمی‌سپردند، از آنرو که صرفاً مفهوم زندگانی را از آن فراچنگ آورند، بلکه طبیعت را بدون آدمی، شایان توجهی نمی‌دیدند. آنان در پس اشیاء، پی‌جوی زندگی واقعی به مدد Vision «بینش» بودند.

تصاویر شگفتی‌آور و رنگهای درخشان در آثار اکسپرسیونیزتها از نقاشی‌های سزان و وان‌گوگ تأثیر برگرفته است.

عرفان^۳ یا کوپ^۴ بونه و انگلیوس^۴ سیله‌سیوس، اشعار هولدرلین^۵، بودلر^۶، مالارمه^۷، رمبو^۸، والت ویتمن^۹، نورمانتیکها، فوتوریست‌ها، ابرمرد^{۱۰} نیچه، سوسیالیسم و روح جمعی لاندآور^{۱۱}.

صلای بازگشت به زندگی بی ورای زندگی مادی یادآور دوران باروک، از پس زمینه‌های فکری و ادبی شاعران اکسپرسیونیست به‌شمار می‌آیند.

در شعر اکسپرسیونیستها قافیه بندرت وجود دارد. اوزان آزاد، طول مصرعها اختیاری، زبان تکان دهنده، انقلابی و غیرمعمول است. هنجارشکنی دستوری و منطقی در آثارشان به وفور یافت می‌شود. از «زم» فراوان سود می‌جویند (اشعار پاییزی تراکل). بیشتر ستیز آنها با جهان بورژوازی است تا سیاست. بحران جامعه بورژوازی و سقوط ارزشها در آثار نخستین گوته‌فرید پن، یکی از شاعران و نظریه‌پردازان بزرگ این مکتب، به نیهیلیسمی ارتجاعی و واقعیت‌گریزانه منجر شد تا جایی که «من منزوی» در مرکز آفرینش ادبی وی قرار گرفت. مهمترین موضوعات و دلمشغولی‌های شاعران اکسپرسیونیست از این قرارند:

۱- تجربه زندگی در شهرهای بزرگ و گرفتاری‌های آن:

تراکل در شعر «در غرب» انسان شهری را بی وطن و آواره می‌نامد، که یکسر از زندگی، طبیعت و کیهان بریده است.

۲- «سقوط من»: (جنون، مالیخولیا، تحلیل رفتن من، گمگشتگی، احساس ناتوانی جسمی، خودکشی، مرگ و تباهی) به تصویر کشیده شده است.

۳- تصور پایان جهان - یا پایان جهان بورژوازی؟

این موضوع در اشعار لورکه به صورت پشت کردن به جهان بورژوازی، انتقاد از فرهنگ و ادراک هنری آن، در کسوت تمثیل، متبلور شد. افول ماوراءالطبیعه، ظهور ماشینیسم و جنگ این احساس را که تنها جهان بورژوازی به پایان خویش می‌رسد فراتر برده و به احساس پایان جهان مبدل ساخت.

۴- جنگ و ویرانی:

جنگ جهانی اول که شاعران به‌شخصه آنرا از سرگذرانده بودند، ابعاد تازه‌تری از واقعیات را پیش روی آنان نهاد. گئورگ هایم، جنگ جهانی را پیش‌گویی کرده بود که دو سال پس از مرگش در گرفت. او در یکی از اشعارش با عنوان «جنگ»، جنگ را چونان «غولی» می‌دید که «برکوها و دره‌ها پا می‌گذارد و هر آنچه را پیش روی اوست به نابودی می‌کشد».

هد دگرگونی مناسبات کاری:

شعر «کارگر» از «اوتون»، فلاکت و مشقات کارگران را نشان می‌دهد. در این جا انتقاد از نظم اجتماعی پدیدۀ تولید، در ردیف اول اهمیت قرار ندارد، بلکه روند تاریخی بیگانه‌سازی آدمی

نسبت به طبیعت و خویشتن خویش که زائیده شیوه تولید مدرن است، مورد نظر شاعران می‌باشد.
ع- مفهوم خدا و گفتگو با او:

نیهیلیسم نیچه، افول ماوراءالطبیعه و مذهب، به مفاهیمی چون «خدا»، «حقیقت»، «وحدت»، «دوزخ»، «آرمان» و... مجال ظهور در اشعار اکسپرسیونیست‌ها را داد که برای خواننده مأنوس با آثار گوته و رمانتیک‌ها، اندکی «غیر شاعرانه» می‌نمود.

۷- عشق و موضوعات عاشقانه:

نظریات فروید در اکسپرسیونیست‌ها بی‌تأثیر نبود. گاه از دل آنهمه آلام اکسپرسیونیست‌ها، عشق کورسویی می‌افکند و کم می‌شود. آنهم با ادراک اکسپرسیونیستی آن. الزه لاسکر شولر، بزرگترین شاعره اکسپرسیونیست عاشقانه سراسر است. اشعارش روان، صمیمی، دلنشین و بی‌وزن و قافیه‌اند.

۸- طبیعت و مناظر:

به گفته پیتوس چون آدمی به تمامی نقطه آغاز، میان و انجام این‌گونه از سرایش است [اکسپرسیونیست]، به همین خاطر طبیعت و مناظر، به معنای ناتورالیستی آن جایگاه چندانی ندارد و هرگز به بیان در نمی‌آید، مگر آنکه انسانی شده باشد.

۹- انسان نوین و دل مشغولی‌هایش:

«ناکامی و پیروزی»، «مرگ و رستاخیز»، «آغاز و انجام»، «از خود بیگانگی و برادری آدمیان»، از قطب‌های شعر اکسپرسیونیست هستند.

۱۰- گروتسک (مضحکه هولناک یا سوک مضحکه)

از گرایش‌های سبکی جالب اکسپرسیونیست‌ها، که کمتر بدان پرداخته شده، گروتسک است که به شعر پوچی دامن زد. برای برانگیختن همدردی و همنوایی خواننده، شاعران این سبک از گروتسک سود می‌جویند. اما این فقط یک جنبه کارشان است نه چون دادانیست‌ها، تنها ابزار کار. دامنه گروتسک بسی فراتر از مضحکه است. نفرت و بی‌ارزشی خود، درک درست تراژدی‌های زمانه و خیانت آدمی، دستمایه شاعران در خلق سبکی نو در قالب گروتسک می‌شود.



اکسپرسیونیست آخرین و بزرگترین انقلاب در شعر آلمان است. در سالهای آخر عمر این مکتب شاعران آن اندک اندک پراکنده شدند. تراکل و هایم، در جوانسالی مُردند، «بشر» سوسیالیست

شد، «دوبلین» به مسیحیت گروید، و «بن» فاشیست از آب درآمد. فرانتس ورفل در عرصه نثر خوانندگانی دست و پا کرد. الزه لاسکر شولر و بسیاری دیگر به تبعیدیان نگون بخت و گرسنه‌ای بدل شدند.

اینگونه بود که در اواخر سالهای ۲۵ زمزمه «اکسپرسیونیسم مرده است» اینجا و آنجا شنیده می‌شد.
و اما درباره تراکل:

گئورگ تراکل در ۱۸۸۷ زاده و به سال ۱۹۱۹ از جهان رخت بریست. جهان از هم گسیخته، من پاره پاره شده و احساس زوال؛ تصاویر، نمادها و ظنین شعر تراکل را یکی می‌کند. زبانش یادآور طرز هولدرلین است. او در برابر پوزیتیویسم علوم، پیشرفتهای جامعه صنعتی، موضع انتقاد آمیزی دارد و با بدگمانی به میلیتاریسم و پاتریالیسم (میهن پرستی) و پیامدهای اجتماعی آن می‌نگرد. نحو قدیم پاسخگوی او نیست، از اینرو فراوان از آن تخطی می‌کند. بر آن است که احساساتش را بی‌واسطه‌تر از گئورگه، ریلکه و هوفمانشتال بیان کند. نمایش وحشت و هراس شوکه کننده اما گیرا، در آثارش زمینه جولان خیال و فضای آزاد اندیشه را فراهم می‌کند. با اینکه مترجم کوشیده است برگردان اشعار را هرچه فارسی‌تر کند، باز هم غرابت شعر تراکل به جای خود باقی است و باید هم باشد.



1. Das Gefühl

2. Sturm und Drang.

3. Jakob Bohne.

4. Angelus Silesus.

5. Hölderlin.

6. Baudelaire

7. Mallarmé.

8. Rimbaud

9. Walt Withman.

10. Nietzsches Übermensch.

11. Landenauer.

منابع مورد استفاده:

1. Vietta, Silvio: Die Lyrik des Expressionismus. dtv. 1976.

2. Van Rinsum, Dr. A. und Wolfgang: Dichtung und Deutung, B. Schulbuch Verlag, Stuttgart, 7

3. Hunze, K und H. Oblander: Grundwissen Deutsche Literatur. Ernst Klett Verlag, 1973.

4. Ghahraman. Anneliese: Lyrik, Teheran, 1990.